گفت‌وگو
سجاد آذری

موانع و راهکارهای تحقق کامل دولت الکترونیک در گفت‌وگوی «جوان» با کارشناس حوزه دولت الکترونیک

تعارف و تنبلی مانع دولت الکترونیک شد

حسین میرزایی: دولت الکترونیک برای افزایش کارآمدی نظام لازم است ولی هیچ جا هیچ شاخصی برای سنجش و ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها در تولید و تبادل اطلاعات وجود ندارد

دولت الکترونیک از دولتی به دولتی دیگر دست‌به‌دست می‌شود. کارهای زیادی در این رابطه صورت گرفته است، اما مردم هنوز طعم الکترونیکی شدن امور اداری و اجرایی را نچشیده‌اند. حذف کاغذبازی و برطرف شدن رانت، یکی از فواید تحقق کامل دولت الکترونیک است. گام اول این مهم که اراده دستگاه‌های اجرایی برای الکترونیکی کردن امور بود، برداشته شده، ولی هنوز کارهای عمده و جزئی زیادی در این رابطه باقی است. برای گفت‌وگو پیرامون وضعیت دولت الکترونیک و موانع و راهکارهای آن سراغ حسین میرزایی، کارشناس حوزه آی‌تی و دولت الکترونیک و مدیر شتابنده حکمرانی هوشمند ایجی تک رفته‌ایم.

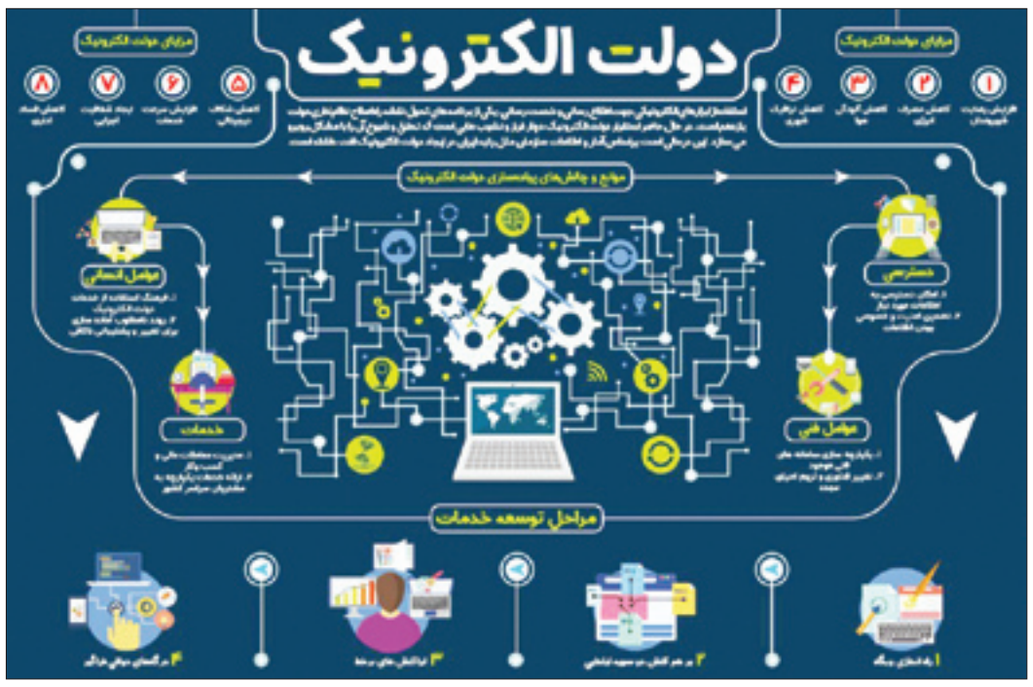

الان وضعیت دولت الکترونیک چگونه است؟

اگر بخواهم نسبت به ۱۰ سال قبل مقایسه کنم سیر دولت الکترونیک اینگونه بود که از ابتدا خیلی از دولت‌ها به دور خود می‌چرخیدند و احساس می‌کردند اتوماسیون ایجاد کردن یعنی دولت الکترونیک داشتن و شاخص‌های آن حذف کاغذ بود. اکنون ما از جایی که احساس می‌کردیم رشد ما در دولت الکترونیک حذف کاغذ است، رسیده‌ایم به جایی که دستگاه‌ها دارند به سمت تولید میکروسرویس و سرویس‌های مختلف هوشمندسازی می‌روند، یعنی دستگاه‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که کارشناس نمی‌تواند همه درخواست‌ها و موضوعات را بررسی کند، لذا نیازمند سیستم‌هایی هستند که بخشی از قواعدی را که کارشناس بررسی می‌کند به سیستم بدهند، یعنی از حذف کاغذ رسیدیم به جایی که الان داریم راجع به هوشمندسازی صحبت می‌کنیم.

در اینجا البته چند تا موضوع خیلی مهم وجود دارد که یکی از آنها یکسری از موانع قانونی است که از قدیم داشتیم و یکسری دیگر تصوراتی است که دستگاه‌ها برای انجام کارها دارند. مثلاً در حوزه اصناف می‌گویند پروانه کسب جزو اوراق بهادار است و شما نمی‌توانید آن را سیستمی کنید، امضای رئیس اتحادیه باید پای آن باشد یا می‌گفتند نسخه دستخط و مهر پزشک است، مگر ممکن است شما آن را حذف کنید که خب انجام شد یا بیمه شخص ثالث اکنون حذف شده و یک چک پرینت به شما می‌دهند و مبنای آن شده اطلاعاتی که در سیستم وجود دارد. یکسری از مقاومت‌ها و مباحث قانونی وجود داشت که فیزیک نسخه، بیمه‌نامه یا پروانه کسب حفظ شود و فیزیک آن اصالت داشت که خدا را شکر تا بخش زیادی مسئله حل شده و الان اسنادی که به آنها اتکا می‌شود، اکثراً الکترونیکی شده است. گیر اساسی‌ای که الان داریم این است که دولت الکترونیک و زیست‌بوم الکترونیکی کردن فرایندها زمانی اثرگذار خواهد بود که دستگاه‌ها مانند آب خوردن به هم مرتبط باشند، سابقاً پیک نامه‌ها و مکاتبات را می‌برد و اینها را به هم مرتبط می‌کرد و الان نیز از نظر فرایند داخلی که باید به هم متصل باشند هنوز در این بخش ضعف داریم. توان دستگاه‌ها در بخش تولید الکترونیک اطلاعات به اندازه هم نیست، در نتیجه چون همگی نمی‌توانند داده‌های درست و خوب تولید کنند، نمی‌توانند به خوبی هم باهم داده‌ها را تبادل کنند. مسئله بعدی این است که هرچند دستگاه‌ها داده خوب تولید می‌کنند و الزام هم وجود دارد ولی متأسفانه در تبادل اطلاعات همراهی نمی‌کنند یا ناپایدار و ناقص تبادل اطلاعات انجام می‌دهند یا بعضی هم متأسفانه رفته‌اند به سمت اینکه همه تبادلات پولی باشد و بابت هر تراکنش مبلغی می‌گیرند، ما در این حوزه اکنون خیلی گیر داریم.

اجرایی شدن این اتوماسیون چه مقدار کار می‌برد؟ اینکه ارتباط بین دستگاه‌ها هنوز اتفاق نیفتاده به دلیل مشکل زیرساختی است یا اراده نداشتن دستگاه‌ها مانع شده است؟

ما ۴ هزار و ۸۰۰ دستگاه اجرایی داریم و متأسفانه هر دستگاهی رفته برای خودش یک سیستم اتوماسیونی را اجرا کرده است. وقتی اتوماسیون می‌گوییم منظور ماشینی کردن کل فرایند است. نرم‌افزارهای دبیرخانه‌ای و امثال آنها مدنظر ما نیست. در دستگاه‌ها هر کسی یک راهکار برای خودش با یک استانداردی پیاده کرده و برای خودش یک کاری انجام داده است. این ذات تحول است. بعد از یک مدت شما هر تحولی که انجام دادید باید بازگردید و آن تحول را دسته‌بندی و استانداردسازی کنید. مثلاً اگر در کشور یک کنسرسیومی در هر حوزه‌ای شکل می‌گرفت ده تا، بیست تا، سی تا یا صد تا شرکت آی‌تی می‌آمدند با یک استانداردی یک محصول درست می‌کردند و استانداردهای تولید نرم‌افزارهایی که اینها استفاده می‌کنند یکی بود، پشتیبانی، ذخیره‌سازی و تبادل اطلاعات یکی بود. اگر استانداردسازی به خوبی انجام شده بود، هزینه‌های نرم‌افزاری به شدت کاهش پیدا می‌کرد، چون دارید خرید عمده می‌کنید و چند تا مجموعه را گذاشته‌اید به جای اینکه هر دستگاه یک پولی بدهد، یک راهکار خیلی خوب با پشتیبانی و استاندارد خیلی خوب داشتید.

بیشتر مشکل اراده نیست بلکه دستگاه‌ها نمی‌دانند، یعنی در فایده آی‌تی در دستگاه‌های دولتی و عمومی غیردولتی خیلی نقص دانشی وجود دارد، فهم فرایندی و فهم سیستمی ندارند.

اگر این اراده و فهم وجود داشت با زیرساخت فعلی چه مقدار طول می‌کشید تا اینها باهم ارتباط برقرار کنند؟

کار حوزه آی‌تی و سیستم‌سازی، یکسری چیزهایی است که ما به آن کارهای به مرور می‌گوییم و باید شما مانند یک عکاس در جاده بیفتید، وقتی در مسیر هست یکسری سوژه می‌بیند و یک تصویر می‌گیرد، ما نیز باید در مسیر بیفتیم. ما الان چند تا دغدغه داریم، اولی یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و اطلاعات است. وقتی یک دستگاهی مانند ثبت احوال مرجع اطلاعات هویتی است، دیگر هیچ دستگاهی حق ندارد اطلاعات را به شکل خوداظهاری بگیرد. ما با این کار داریم به ریش خودمان می‌خندیم؛ از یک طرف داریم سرویس می‌دهیم و از طرف دیگر دستگاه‌ها دارند به شکل خوداظهاری اطلاعات و فتوکپی می‌گیرند، مثلاً در بحث کدپستی و محل سکونت ما باید خوداظهاری آن را ممنوع کنیم. در دنیا جوک است که طرف خودش برود یک جا بگوید من اینجا ساکن هستم، بعد برود یک جای دیگر بگوید من یک جای دیگر ساکن هستم، بالاخره شما یک جا ساکن هستید، ۱۰ جا هم امکان دارد مالک باشید ولی یک جا ساکن هستید، امکان دارد سه ماه یک جایی باشید، چهار ماه یک جای دیگر اشکالی ندارد، می‌روید یک دقیقه‌ای به‌روزرسانی می‌کنید که من از فلان موقع تا فلان موقع اینجا ساکن هستم ولی من باید بدانم محل سکونت تو کجاست و اینها ضعف‌هایی است که متأسفانه در کشور وجود دارد و یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و یکپارچه‌سازی داده‌ها یک بخش از مشکلاتی است که وجود دارد.

قاعده‌ای را در استونی به عنوان یکی از کشورهای الگو در دولت الکترونیک رعایت کرده‌اند، آن هم قاعده داده ثبت یک بار است. اگر یک داده یک بار در یک دستگاه ثبت شد، دستگاه دیگر حق ندارد اطلاعات را مجدداً به شکل خوداظهاری بگیرد و ثبت کند، این موجب می‌شود نظم در اطلاعات شکل بگیرد، مثلاً خودرو یک هویت است و یک بار در فراجا ثبت شده است، دیگر دستگاه دیگری حق ندارد مشخصات خودرو را ثبت کند ولی مثلاً در حوزه مسکن شهرداری به یک شکل اطلاعات را ثبت می‌کند، ثبت اسناد به شکل دیگر، اوقاف در مورد ملک‌های وقفی به شکل دیگر، ملک‌های قولنامه‌ای، سند نسقی‌ها، ملک‌های مجهول مالک یا مصادره‌ای هر کدام به یک شکل است و هر کسی دارد به یک شکلی در آن دخالت می‌کند، در حالی که مختصات جغرافیایی این زمین که مشخص است، سال ساخت، نوع بنا، متراژ، تعداد طبقات و موارد دیگر آن همه معلوم است و این اطلاعاتی است که یک بار باید ثبت شود و دیگر دستگاه‌ها باید از آن سرویس بگیرند ولی چون دستگاه‌ها به همدیگر به خوبی سرویس نمی‌دهند، هر کسی رفته گفته به جای اینکه بروم از این سرویس بگیرم که معلوم نیست بگیرد یا نه و آخر هم بگوید یک پولی هم بده خودم می‌روم ثبت می‌کنم. نتیجه این شده که دستگاه‌ها از ترس اینکه دست‌شان زیر تیغ یکدیگر نباشد، خودشان به سمت ثبت اطلاعات رفته‌اند.

اگر همه دستگاه‌ها به هم وصل بودند و اراده این کار هم وجود داشت، آیا با زیرساخت فعلی اینترنت امکان دولت الکترونیک وجود دارد؟

بی‌تعارف اینترنت کشور و سرویس‌های دستگاه‌ها خیلی ناپایدار است. مثلاً الان یکی از دستگاه‌ها ۱۷ سرویس به آن وصل است، یک روز پست آن مشکل دارد، یک روز ثبت احوال قطع است، یک روز مالیات پاسخ نمی‌دهد. یک چیزی وجود دارد به نام service limit access که این تضمین می‌کند اگر من سرویس می‌دهم تضمین می‌کنم اگر قطعی هم اتفاق افتاد، فلان قطعی را باید طی ۱۰ دقیقه رفع کنم و فلان مشکل را باید طی ۱۰ ساعت رفع کرد. یک سطح‌بندی خدمات وجود دارد که شما ملزم هستید سرویسی که می‌دهید، تضمین پایداری سرویس را هم بدهید. مثلاً خود شاپرک ماهانه از بانک‌ها جریمه می‌گیرد و بیشترین جریمه هم متعلق به بانک ملی است؛ بابت مثلاً ناپایدار بودن سرویس، تولید زیاد مغایرت سرویس، قطعی و مانند اینها. همین موجب شده است بانک‌ها خودشان به دنبال برطرف کردن این مشکلات باشند، ولی ما در درگاه‌های دولتی این قانون را متأسفانه نداریم و انتظار داریم سازمان فناوری اطلاعات به عنوان رگولاتور تبادل اطلاعات بیاید دستگاه‌ها را بابت اینکه نتوانسته‌اند سرویس دهند جریمه کند، اما متأسفانه هیچ جا هیچ شاخصی برای سنجش و ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها در تولید و تبادل اطلاعات وجود ندارد.

حالا که موضوع رگولاتوری را مطرح کردید، الان وضعیت قانونگذاری ما در حوزه دولت الکترونیک چگونه است؟

هیچ خلأ قانونی وجود ندارد. فقط همین یک تکه نادیده گرفته شده است که دستگاه‌ها باید از نظر مالی هم متضرر شوند که این بخش وجود ندارد. فقط گفته‌اند دستگاهی که داده تبادل نکند، جرم مرتکب شده است و تا شش ماه حبس هم برای آن در نظر گرفته‌اند، ولی همین هم اجرا نمی‌شود، قانون را با تعارف اجرا می‌کنند.

اصلاً این دولت الکترونیک چه فایده‌ای دارد؟

من چند تا کارکرد کلیدی ساده می‌گویم. اگر شما بدانید که چه کسی کجاست و چه کسی به چه کسی خدمت داد، مزایای آن این است که دقت و سرعت فرایندها بالا می‌رود و هزینه فرایندها پایین می‌آید. قطعاً چون رفت‌وآمد، معطلی، تصمیم‌گیری کارشناسی و مانند آنها وجود ندارد، رضایتمندی مردم به شدت ارتقا پیدا می‌کند. ما الان برای افزایش رضایتمندی مردم فقط نباید بودجه تزریق کنیم، در خیلی از این فرایندها طرف می‌رود در دستگاه و تحقیر شده بیرون می‌آید، در حالی که اگر در منزل درخواست را انجام دهد و مکلف باشد پاسخ دهد، این شرایط ایجاد نمی‌شود، ولی الان خود ما که در دولت الکترونیک دستی در هر پروژه‌ای داشتیم، مشاور، پیمانکار یا ناظر و مانند اینها بوده‌ایم، هنوز از دستگاه‌ها خدمت مناسب دریافت نمی‌کنیم.

کارکرد بعدی که مهم‌تر هم است اینکه مثلاً شما در نظام مالیاتی گیر دارید و مالیات می‌گوید نمی‌توانم شناسایی و وصول کنم. دنیا رفته به سمت راه‌حل‌های شناسایی برخط و بهنگام، یعنی سهم مالیاتی بر تراکنش‌ها را همان جا برخط برمی‌دارند. این قدرت دولت الکترونیک است که سهم شما از نظام مالیاتی را زنده به حساب می‌آورد. یکسری از چیزهایی در کشور شوخی است، مثلاً طرف اگر مجبور نشود فاکتور رسمی نمی‌دهد، فاکتور الکترونیک، یعنی هر فاکتور کاغذی غیرقانونی، جرم و جعل است. وقتی فاکتورها الکترونیک شود، می‌توانید شبکه فروش را رصد کنید، از احتکار و گران‌فروشی جلوگیری و مالیات را وصول کنید. در بحث قراردادها، قانون کار کشور اصلاح نمی‌شود، مگر اینکه قراردادهای قانون کار الکترونیکی شود. طرف قرارداد نمی‌نویسد، سفید امضا می‌نویسد. در قراردادی که می‌نویسد قواعد قانون کار را رعایت نمی‌کند، در حالی که مثلاً ما در تجربه ثبت شرکت‌ها داریم که از وقتی که الکترونیکی شده همه فرمت‌ها یکسان است. از کسانی که ۲۰-۱۰ سال است درگیر شرکت‌داری بودند، بپرسید، ببینید قبلاً چگونه بود، الان چگونه است یا از سازمان مالیاتی سؤال کنید قبلاً سامانه مؤدیان چگونه بود، الان چگونه است. خب اینها خیلی فرق کرده است، لذا برای افزایش کارآمدی نظام دولت الکترونیک لازم است. حاکمیت و حکمرانی با ابزارهای خود شناخته می‌شود. ما وقتی قدرت شناسایی و مبارزه با تخلف را داشته باشیم، آن وقت تازه این ابزارها کمک می‌کند تا به خوبی کشورداری کنیم.

یکی از مزایایی که در مورد دولت الکترونیک گفته می‌شد موضوع شفافیت است، اما در همین خصوص نیز گفته می‌شود این امکان وجود دارد تا شفاف تخلف شود یا شفاف اطلاعات را مخفی کرد، این موضوع را چه مقدار قبول دارید؟

مثلاً من یک مسئول دولتی هستم، از شما می‌پرسم درآمد شما چه مقدار است و شما هم به من نمی‌گویید. من هشت سال درگیر موضوع رایانه‌ها بودم، همیشه درگیر بودیم که مردم می‌گفتند درآمد این مقدار نیست، بیشتر یا کمتر است. شفافیت چیزی است که همه مردم از آن گریزان هستند. شفافیت شده اسم رمز برای انجام ندادن و هر کسی که می‌خواهد کاری را انجام ندهد، می‌گوید مردم ما می‌خواهیم با شفافیت پیش برویم، به خوبی جبهه مخالفان را طوری شکل می‌دهد که بگوید من خواستم و نگذاشتند.

شفافیت نتیجه طراحی درست فرایندهاست، مثلاً الان شما در جرایمی که دوربین‌های راهنمایی و رانندگی می‌زنند اختلافی ندارید یا در مورد عوارض الکترونیک اختلافی ایجاد نمی‌شود، جایی که بیشتر اختلاف دارید جایی است که قبض تسلیمی است، یعنی یک فرد وسط بوده و این کار را انجام داده است. نتیجه منطقی و حتمی طراحی درست فرایندها و الکترونیکی کردن آنها این است که می‌دانید چه اتفاقی در حال انجام است، اسم آن را شفافیت، اشراف اطلاعاتی یا هر چیز دیگری که بخواهید می‌توانید بگذارید. من می‌گویم پافشاری روی کلیدواژه شفافیت مناسب نیست، فرایندها باید سیستمی شود تا بدانیم در چه تاریخی، چه زمانی، چه درخواستی داد و از کجا عبور کرد و چه هزینه‌ای انجام شد و اگر دولت الکترونیکی شود، عیناً این مفهوم که بهبودهای کوچک تغییرات بزرگ را به همراه دارد خواهیم دید، شما اگر یک فیلد خیلی ساده مانند بابت را در تراکنش‌ها شفاف کنید که مثلاً معلوم باشد این ۷۰۰ هزار تومانی که تراکنش کردید بابت چه بوده است، می‌دانید با همین کار ساده چه مقدار نظام مالی کشور شفاف می‌شود، مثلاً وقتی می‌روید رستوران، مبلغ فاکتور از صندوق می‌آید روی کارتخوان و شما فقط کارت می‌کشید، خودبه‌خود صندوق فروش به این تراکنش می‌گوید که بابت این فاکتور این مبلغ کشیده شده است یا مثلاً یک مبلغی بابت حق‌الزحمه نیروی خود می‌ریزد، تراکنش می‌گوید بابت چه و شما می‌گویید بابت قرارداد فلان این پول جابه‌جا شده است، قرارداد شما یکجا ثبت شده و شما فقط شماره آن قرارداد را می‌آورید، اگر کسی خواست این تراکنش را بررسی کند فقط کلیک می‌کند و کل جزئیات این قرارداد را می‌بیند. اگر شما فرایند خود را درست کنید، شفافیت یکی از نتایج آن است.

دولت الکترونیک می‌تواند جایگزین حضور میدانی مدیران و مراجعه مردم به آنها شود؟

من معتقدم مدیر با دو بار رفت‌وآمد بین مردم می‌تواند آن چیزی را که نیاز است، دستگیرش شود. چرخیدن بین مردم متعلق به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ است، الان باید نظام تیکت‌اینگ داشته باشید. مردم در خانه نشسته باشند و به تو درخواست دهند یا اگر رفتند اداره‌ای و کارمند شما خدمت نداد، کیوآرکد در اتاق یا روی میز آن باشد، همان جا کیوآرکد را اسکن و تیکت را ثبت کند. مگر من مدیر چقدر می‌توانم همه جا را سرک بکشم، اگر اینچنین باشد دیگر اسم من مدیر نیست. هر دستگاهی خودش از اوضاع مطلع است، مثلاً من مدیر سامانه اصناف کشور هستم، برج پنج که این سامانه را دست گرفتم، روزی ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر مردم می‌آمدند و می‌رفتند، طی ۱۰ هفته سیستم تیکت‌اینگ را راه‌اندازی کردیم و مشکلات را در تیکت‌ها گذاشتیم، از طرف دیگر سیستم مرکز تلفن را هم راه‌اندازی کردیم و با همین روش ۲ هزار تماس مردم را غیرحضوری پاسخ دادیم، مشکلات استعلامات و دیگر مسائل را دسته‌بندی کردیم و به سرعت چشمه مشکلات را حل کردیم، حالا مسئول اصناف هر روز بخواهد برود بین مردم و بگوید من فلانی هستم، مشکل شما چیست! ولی یک بار رفت و فهمید، الان هم ما مسیر شناسایی مسئله را درست کرده‌ایم. تیکت یا مرکز تماس، یک بار که درگاه پرداخت من قطع شود، تماس‌های آن بالا می‌رود، به سرعت می‌رویم سراغ درگاه پرداخت که آقای بانک فلان چرا مشکل داری، این مشکل را حل کن.

خب همه می‌توانند از تیکت و مرکز تماس استفاده کنند؟

بله معلوم است که می‌توانند.

دسترسی به اینترنت، سیستم و غیره هم باید باشد.

خب تلفن که دارید! یک زمانی که درگیر داستان نسخه الکترونیک و اینها بودیم، می‌گفتند این پزشک سیستم ندارد، پزشک پیرمرد چطور نسخه الکترونیک بنویسد، چرا جوک می‌گویند یا مردم دسترسی ندارند، پس فقط پدرومادر من هستند که صبح تا شب در شبکه‌های اجتماعی هستند!

من پروژه ملی اجرا کردم با یک پیامک به مردم وام کرونا دادم، جیغ بنفش می‌کشیدند، نماینده مجلس می‌گفت مردم نمی‌توانند پیامک بدهند!

آماری هست که اصلاً دسترسی چه مقدار است؟

در مورد ضریب نفوذ بگذارید به نسبت بگویم. وقتی من وام یک میلیون تومانی می‌خواستم بدهم، از ۲۴/۵ میلیون سرپرست خانوار، به ۲۰ میلیون سرپرست تسهیلات را دادند، یعنی آمدند با سیم‌کارتی که به نام خود افراد بود، تسهیلات را پرداخت کردند، بعد دیدند ۲/۵ میلیون نفر از سرپرستان خانوار سیم‌کارت ندارند، سریع با همراه اول، ایرانسل و رایتل هماهنگ کردیم، امکان ثبت درخواست آنلاین گذاشتند و با هماهنگی‌ای که با شرکت پست انجام شد، دم خانه رایگان سیم‌کارت را تحویل دادند و طی ۴۰ روز یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از کسانی که تقاضا داشتند سیم‌کارت گرفتند، ۸۰۰ هزار نفر ماند، ۲ میلیون نفر دیگر هم تقاضای وام نداشتند. حالا این زیرساخت هم ایجاد شده است. الان از ۲۲/۵ میلیون سرپرست خانوار یک شماره تلفن ثبت شده به نام داریم و الان هر اطلاع‌رسانی که به این شماره انجام دهید، بر اساس قانون تجارت الکترونیک عین ثابه منزله ابلاغ رسمی است. پس همه دسترسی دارند.

حالا اگر دولت الکترونیک را ایجاد کردیم و بعد هک شد چه؟

اینگونه باید جلو برویم، آیا این خدمت الکترونیک شده؟ خب نشده است، باید بشود، بعد باید ببینیم سرعتش خوب است، خوب کار می‌کند، پایدار است، وقتی همه اینها بود، باید دید آیا به فلان دستگاه وصل است یا نه، بعد می‌رسیم به اینکه آیا امنیت دارد یا نه، آن هم راهکار دارد. ما الان چه در مرحله انتشار و اجرای محصول و چه در نقاط تبادل اطلاعات nتا راه‌حل و تست امنیت و قواعد مختلف داریم که می‌شود نظارت و حتی مشکلات امنیتی را شناسایی کرد که هر کدام شناسایی شود، می‌توان این مشکلات را حل کرد و حتی در استونی چون دولت تمام الکترونیک است، آمده‌اند در کشورهای دیگر یک ذخیره‌سازی از اطلاعات خود قرار داده‌اند، هرچند اطلاعات را هم به شکلی رمزگذاری می‌کنند که اصلاً امکانی برای ورود به آنها وجود نداشته باشد و حتی سراغ بلاکچین رفته‌اند. ۱۰ سال طول می‌کشد تا طرف یک بلاک را هک کند حالا nتا بلاک در بلاک است، یعنی بُعد امنیت راهکار دارد و بلاک‌چین یکی از این راهکارهاست که خیلی عملیاتی است. آنقدر رمزگذاری کنید که قابل هک نباشد و آنقدر ذخیره‌سازی داشته باشید که مثلاً اگر سرور یک را زدند سرور بحرانت روی کار بیاید و راهکارهای دیگر عملیاتی شود و این مسائل قابل حل است، وگرنه اصل داستان تنبلی دستگاه‌هاست.

در خیلی از فرایندها دستگاه‌ها وقتی می‌خواهند کار انجام دهند، به مسئله‌ای برمی‌خورند که به نام انتخاب سخت و ما در کشور تعداد مدیرانی که حاضر هستند زیر بار تصمیمات سخت بروند، کم داریم. هیچ‌کس حاضر نیست زیر بار تصمیمات سخت برود، همه سعی می‌کنند اداره کنند ولی کسی حاضر نیست فرایندها را متحول کند. تحول به معنای دعوا و جاروجنجال است. هر کاری که می‌خواهید انجام دهید می‌گویند قانون اجازه نمی‌دهد، خب این قانون یک روز بنا به مسئله‌ای ضرورت پیدا کرده و تصویب شده است. الان برو پیگیری کن الحاقیه آن را بزن، ولی می‌گوید زمان می‌برد و مگر من چه مقدار زمان دارم، باید تصمیمات سخت در حوزه‌های مختلف داشته باشیم که البته در بعضی از حوزه‌ها هم این کار را کرده‌ایم. یک روزی ما پورتال دارو را استارت زدیم، گفتند شما می‌خواهید یک بانک اطلاعاتی از داروهای کشور شکل بگیرد که محرمانه و امنیتی است، گفتیم اینکه نمی‌دانیم کجا چه مقدار دارو داریم محرمانه نیست ولی اینکه بدانیم کجا چه مقدار دارو داریم، محرمانه است.

حرف کارشناسی و پایانی من این است که دولت الکترونیک کشور را با صد تا آدم پای کار می‌شود تکان داد که البته صد تا را هم خیلی زیاد گفتم.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۷۶۴

آیا «مدیران تصادفی» تهدیدی برای سازمان به شمار می‌آیند؟

می‌پرسید مدیر تصادفی کیست؟ دقیقاً کسی که بر اثر یک تصادف و به صورت کاملاً اتفاقی بر مسندی تکیه زده است! مدیران تصادفی عجیبند... آنان تصمیمات تکانشی و پراکنده می‌گیرند. بسیار دهن‌بین هستند و استراتژی درازمدت ندارند. وجود کارکنان را تهدید می‌دانند و به سیستم جاسوسی فوق‌العاده علاقه‌مندند.

چتر حمایتی‌شان بر سر متملق‌ها گسترده است و اطرافیان خود را بر اساس وفاداری انتخاب می‌کنند، نه تخصص. مدیران تصادفی تشنه عنوان، مدرک و تقدیرنامه هستند و برای اینها خرج می‌کنند. سازمان را «تفریح‌گاه» می‌دانند، نه «کارگاه».

این قبیل مدیران از جلسات متعدد استقبال می‌کنند. با کارکنان زبان مشترکی ندارند و آنان را فقط زمانی که نیازمندشان هستند، می‌بینند. اغلب از کارکنان رده پایین فاصله می‌گیرند و خود را ایزوله می‌کنند.

آیا مدیر شما تصادفی است؟ چاره چیست؟ ایده خاصی دارید؟

یادداشت

حامد محمدیان

حقوق کارگران و مسائل فراموش‌شده درباره آن

درباره کار و کارگری اکثر مواقع با دو مفهوم ثابت کارگر و کارفرما مواجه هستیم که در زمان‌های گذشته به دلیل نبود قانون حامی حقوق کارگران بدیهی‌ترین حقوق آنان زیرپا گذاشته می‌شد. این رفتارها در کشورهای صنعتی جنبش‌هایی را به وجود آورد و به تدریج سبب شد قوانینی برای حفظ حقوق کارگران شکل بگیرد. با رسمیت یافتن بیشتر شناخت حقوق انسانی، قوانین حافظ حقوق کارگران نیز در کشورها تصویب شد. در مورد کشور ما نیز قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ است که حقوق کار و الزاماتی را در خصوص کارگران مشخص کرده است.

اصطلاحاً کارگر فردی است که در مقابل دریافت دستمزد یا سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می‌کند. مطابق ماده ۵۱ قانون کار ساعاتی که کارگر زمان یا نیروی خود را در اختیار کارفرما قرار می‌دهد، ساعت کار او محسوب می‌شود. پس علاوه بر زمان انجام کار از سوی کارگر که جزو ساعات کار او محسوب می‌شود، انتظار کارگر در محل کار برای ارجاع کار به او نیز جزو ساعت کاری او محسوب می‌شود. در این خصوص تفاوتی نمی‌کند که کارگر منتظر پایان کار کارگری دیگر و فرارسیدن نوبت کار خود باشد یا طبیعت کار او مانند نجات غریق یا آتش‌نشان در حالت آماده‌باش بودن باشد؛ در هر دو حالت مستحق دریافت حقوق، مزایا و احتساب ساعت کاری است. همچنین اگر بخشی از کار کارگر مانند خرید لوازم مورد نیاز کار در خارج از محل کار انجام شود یا به دستور کارفرما در ساعت کاری کارهای خارج از وظایف خود انجام دهد نیز جزو ساعات کاری او محسوب می‌شود.

در قوانین کشورهای اروپایی همچون انگلیس و آلمان حداکثر ساعت کاری ۴۸ ساعت در هفته و در فرانسه ۳۵ ساعت در هفته مقرر شده‌است. در قانون کار ایران حداقل ساعت کار مشخص نشده‌است، اما حداکثر ساعت کار در شبانه روز هشت ساعت تعیین شده‌است که این مقدار با توافق کارگر و کارفرما تا ۴۴ ساعت در هفته قابل افزایش است و در صورت عدم رضایت کارگر نمی‌توان او را مجبور به کار بیشتر کرد.

طبق ماده ۵۲ قانون کار، در کارهای سخت و زیان‌آور حداکثر ساعت کاری شش ساعت در روز و ۳۶ ساعت در هفته است. براساس امتیازی که ماده ۸۲ برای نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام قائل شده، ساعات کاری این افراد نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران است. اگر کارفرما کار اضافی به کارگر ارجاع کند نیز موظف است ۴۰ درصد اضافه بر مزد هر ساعت کار عادی به وی پرداخت کند.

با وجود امتیازاتی همچون مرخصی یازدهم اردیبهشت ماه به عنوان روز جهانی کارگر، مرخصی استحقاقی سالانه و یک روز تعطیلی اجباری در هفته که قانون برای کارگر در نظر گرفته با این توضیح که در بسیاری از مجموعه های خصوصی شاهد کار بیشتر از ساعت کاری مقرر در قانون کار هستیم، این امر در بسیاری از موارد به درستی اجرا نمی‌شود. براساس بند چهارم اصل چهل و سوم قانون اساسی یکی از ضوابطی که جمهوری اسلامی ایران بر آن استوار است منع بهره کشی از کار دیگران است. مضافاً براینکه ماده ۶ قانون کار بهره‌کشی از دیگری را نیز ممنوع کرده‌است. این موضوع بیانگر وظیفه سنگین مسئولان مبنی بر نظارت بر اجرای دقیق قانون است. علاوه بر بیماری های جسمی و روحی ناشی از کار زیاد، افراد از صرف زمان برای خود و خانواده نیز محروم می شوند.

در رابطه با این موضوع بند سوم اصل چهل وسوم قانون اساسی نیز براین مسئله تأکید کرده که ساعت کار باید چنان باشد که افراد توان خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور را داشته باشند و نقض این حقوق نیز مصداق بهره‌کشی است. در این شرایط لازم است مسئولان با نظارت و به کارگیری ابزار قانونی مانع تضییع حقوق افراد شوند و پیگیر پرداخت حقوق کارگران باشند.

علاوه بر موارد فوق، حداقل حقوق تعیین‌شده از سوی وزارت کار نیز یکی دیگر از مواردی است که به نظر می‌رسد موجب تضییع حقوق کارگران شده‌است. اگر چه پرداخت مبلغ ذکرشده قانونی است لکن پاسخگوی نیازهای اولیه کارگران نیست. هر چند در مواردی شاهد عدم پرداخت این مبلغ ناچیز به کارگران نیز هستیم که این موضوع زمینه‌ساز گسترش فقر و اجبار به کار در نوبت‌های دوم و سوم می شود. بنابراین لازم است در تعیین حداقل دستمزد امکان برطرف کردن نیازهای کارگران در نظر گرفته‌شود.

خبر کوتاه

- سخنگوی شهرداری تهران گفت: امروز علاوه بر افتتاح مراکز توانمندسازی کوثر، بهسازی و نوسازی ۵۵۰ معبر از بافت‌های فرسوده شهر تهران هم به بهره‌برداری خواهد رسید. این معابر فرسوده در مناطق ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۷ شناسایی و به همت همکاران حوزه فنی و عمرانی نوسازی شده‌اند.
- رئیس سازمان غذا و دارو با بیان اینکه تا پایان دی ماه مجموع تأمین سرم در کشور افزایش پیدا می‌کند و مشکلی از بابت تأمین آن نداریم، گفت: هم داروهای کرونا و هم واکسن کرونا به وفور در کشور وجود دارند.
- مدیرعامل شرکت متروی تهران از بهره‌برداری از ۹ کیلومتر بخش میانی خط ۶ مترو در آینده نزدیک خبر داد. چهار ایستگاه مترو هم تا پایان سال بهره‌برداری می‌شود.
- دبیر هیئت مرکز گزینش وزارت آموزش و پرورش گفت: در هیئت عالی گزینش در مورد اختصاص سهمیه‌های استانی استخدام در آموزش و پرورش مقرر شد سیاست بومی‌گزینی توسط وزارت آموزش و پرورش پیگیری و اجرا شود.